

قلمرو آزادی زن پس از ازدواج

محمد اسحاقی* مهدیه شعبانی**

چکیده

خانواده قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. زن و مرد براساس قواعد حقوقی و با رعایت احکام اخلاقی این نهاد را تشکیل می‌دهند. یکی از ارکان اصلی خانواده را زن تشکیل می‌دهد. حقوق فردی زن در وسیع‌ترین تعبیر به آزادی‌ها، توانایی‌ها، مصونیت‌ها و مطالباتی گفته می‌شود که جامعه آن را برای رشد و اعتلای فرد ضروری می‌داند. در نظام حقوقی اسلام به شخصیت و جایگاه زن و نقش‌های وی در زندگی فردی و اجتماعی توجه خاصی شده است. این پژوهش تلاش می‌کند، ضمن بیان مبانی و دلایل آزادی و محدودیت، وضعیت و میزان محدودیت‌ها و آزادی‌های زن در عرصه‌های مختلف عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را پیش و پس از ازدواج مقایسه و بررسی کند. یافته‌ها نشان داد که از یک‌سو، در بسیاری از موارد در وضعیت و میزان آزادی و محدودیت‌های زن پیش و پس از ازدواج تفاوتی ندارد و از سوی دیگر در شرایطی خاص، برای کاهش یا حذف محدودیت‌های احتمالی و تضمین آزادی عمل و اختیار زن پس از ازدواج راهکارهای شرعی و قانونی پیش‌بینی شده است.

واژگان کلیدی

آزادی، ازدواج، زن، عقد، قلمرو، محدودیت.

*. استادیار دانشگاه تهران (نویسنده مسئول) (m.eshghi.a@ut.ac.ir).

** کارشناس ارشد فقه و حقوق اسلامی

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۳۰

۱. مقدمه و بیان مسئله

ازدواج اقتضای طبیعت انسان است. زوجیت در تمام موجودات عالم (حیوانات، گیاهان، حتی جمادات) وجود دارد «سبحان الذی خلق الازواج کلها مما تثبت الارض و من انفسهم و مما لایعلمون» (یس: ۳۶)؛ «منزه است خدایی که تمام موجودات عالم، از جمله گیاهان و انسان‌ها و آنچه را نمی‌دانند به صورت زوج آفرید». ازدواج تنها برای ارضای غرایز جنسی و بقای نسل نیست، بلکه فواید متعدد دیگری همچون حفظ دین، افزایش ایمان، کسب آرامش، تکریم شخصیت، کسب اعتماد در جامعه، ایجاد امنیت روانی، احساس مسئولیت بیشتر، ارضای حس محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن نیز دارد. کسانی که از ازدواج روی برمی‌گردانند از دستور خداوند متعال و پیامبر وی روی برگردانده‌اند، در همین رابطه پیامبر (ﷺ) فرمودند: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی - فلیس منی» (مجلسی، ۱۳۸۴: ج ۱۰۰، ص ۲۱۹)؛ «ازدواج سنت من است، کسی که از سنت من روی برگرداند از من نیست». ازدواج نکردن و مجرد ماندن بی‌دلیل ضمن اینکه فرد و جامعه را از مزایا و فواید گوناگون ازدواج و تشکیل خانواده محروم می‌کند، موجب بروز آفات و آسیب‌های فردی و اجتماعی نیز می‌شود که باید با ازدواج درست از آنها دوری جست.

۱۳۴

ازدواج یکی از عقود است که طرفین آن پس از انعقاد عقد مسئولیت‌هایی را بر عهده می‌گیرند که پیش از آن، این مسئولیت‌ها را نداشته‌اند. یکی از برداشت‌های نادرست مطرح درباره‌ی ازدواج این است که زن تمام آزادی‌های قبل ازدواج را از دست داده و باید کاملاً در اختیار همسر خود باشد. این گونه برداشت‌ها اغلب درصدد تخریب چهره‌ی اسلام هستند. وجود برخی آداب و رسوم در بین گروه‌های مختلف مسلمانان، این شبهه را ایجاد کرده که این رفتارها برگرفته از احکام اسلامی است، درحالی‌که با نگاهی به احکام اسلامی - که بحث عدالت، کرامت و توجه به شکوفایی استعدادها و آزادی‌های انسان را تأمین می‌کند - معلوم می‌شود، آنچه به عنوان محدودیت و محصور شدن زن در خانه و از دست دادن همه‌ی آزادی‌ها و فعالیت‌های زن مطرح می‌شود، نادرست است. به همین خاطر باید محدوده‌ی قلمرو آزادی‌های زن پس از ازدواج در عرصه‌های مختلف عبادی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و دفاعی بررسی شود. هدف از این تحقیق، شناخت قلمرو آزادی‌های زن پس از ازدواج در چارچوب احکام اسلامی در عرصه‌های گوناگون است. این تحقیق نشان خواهد داد چه تفاوت‌هایی در قلمرو و ابعاد آزادی فردی زنان قبل و پس از ازدواج وجود دارد و آیا این تفاوت‌ها اهمیت معناداری دارند یا خیر؟ با توجه به اینکه در مواردی حقوق فردی زن و مرد تفاوت‌های مصرح و آشکاری دارد، این سؤال پیش می‌آید که آیا ازدواج و تشکیل زندگی مشترک بین زن و مرد موجب بروز حقوق جدید پس از ازدواج و یا سلب مواردی از

حقوق قبل از ازدواج می‌شود یا خیر. آیا ازدواج و تشکیل زندگی مشترک میان زن و مرد می‌تواند تأثیری در حقوق فردی پیشین زن در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... داشته باشد؟ ابعاد و آثار این تأثیرات کدام‌اند؟ مبانی و اصول حاکم بر تعیین آزادی‌ها و محدودیت‌های زن پس از ازدواج چیست؟ آیا ازدواج حقوق فردی پیشین زن را کاهش می‌دهد و آن را محدود می‌کند؟ آیا پدیده‌ی ازدواج موجب بروز حقوق فردی جدیدی برای زن می‌شود؟

۲. مبانی آزادی‌ها و محدودیت‌ها

مظهر کمال شخصیت هر فرد بسته به این است که آزادی اراده داشته باشد، زیرا افراد در سایه‌ی آزادی اراده می‌توانند کمالات خود را ظاهر کنند. بنابراین برای احترام به شخصیت انسانی هر فرد باید به اراده‌ی او احترام گذاشت. وظیفه‌ی قانون ایجاد مانع در مقابل انحراف اراده‌هاست. برای احترام به اراده‌ی افراد، باید روابط افراد جامعه بر اساس آزادی اراده باشد (رحمانی، ابهری و ایزدی‌فر، ۱۳۹۶: ۹۰ و ۹۱). بدون تردید هرگونه توسعه و ضیق، آزادی و محدودیت و ایجاد شرط و مانع در دایره‌ی عمل زن و مرد پس از ازدواج از مبانی، اصول، اهداف و خواست و توافق طرفین نشئت می‌گیرد و دانستن آنها ضروری است که در این نوشتار با عنوان مبانی به آنها اشاره می‌شود.

۲-۱. اهداف و آثار ازدواج

اهداف و آثار مهمی در ازدواج مترتب است که قرآن کریم نیز در آیاتی به آنها پرداخته است. حفظ انساب^۱، حفظ سکون و آرامش^۲، حفظ نوع بشر^۳، داشتن فرزندان صالح^۴، مودت و رحمت^۵، ارضای غریزه‌ی جنسی و بازداشتن از گناه^۶ از جمله اهدافی است که در منابع دینی برای ازدواج در نظر گرفته شده است. براین اساس هرگاه امر و خواسته‌ای از سوی هریک از زوجین متضمن مخالفت و ضدیت با اهداف تعیین شده باشد یا موجب محقق نشدن اهداف آن شود، مشروعیت نخواهد داشت. به عبارت دیگر، اهداف هر پیمان و عقدی تعیین‌کننده‌ی مرز و محدوده‌ی آزادی‌های پس از انعقاد آن عقد و قرارداد خواهد بود. به همین خاطر برخی از محدودیت‌های مقرر شده برای زوجین پس از انعقاد پیمان زناشویی ناشی از اهداف پیش‌گفته ناشی می‌شود؛ برای مثال ازدواج

۱. «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكُنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره: ۲۲۸).

۲. «و من ایاته ان خلق لكم من انفسكم ازوجا لتسكنوا اليها» (روم: ۲۱) و «...و جعل منها زوجها ليسكن اليها...» (اعراف: ۱۸۹).

۳. «... جعل لكم من انفسكم ازواجاً و من الانعام ازواجاً يذروكم فيه» (شوری: ۱۱) و «... و بث منهما رجلاً كثيراً و نساء...» (نساء: ۱).

۴. «هب لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء...» (آل عمران: ۳۸).

۵. «و جعل بينكم مودة و رحمة...» (روم: ۲۱).

۶. «و الذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايماهم فانهم غير ملومين» (مومنون: ۵).

و رعایت مقررات آن، نسب را حفظ می‌کند. در اسلام، حفظ نسب پایه‌ی احکام و حقوق فراوانی است. بعضی از احکام فقهی بر شناخت رابطه فرزند با پدر و مادر یا بر شناخت نسبت‌های فامیلی دیگر مبتنی است. تبعیت فرزند از پدر و مادر در کفر و اسلام، در طهارت و نجاست، در بردگی و حریت، ربا بین پدر و فرزند، قصاص نشدن پدر در قتل فرزند، مقبول نبودن شهادت پسر علیه پدر، وجوب قضای نمازهای میت بر پسر بزرگ‌تر، مسائل ارث و... بر حفظ انساب متوقف است (مقدادی، ۱۳۸۵: ۱۶۲). از این موارد اهمیت ازدواج و مراعات حدود آن روشن می‌شود. حکمت احکامی همچون نگهداشتن عده‌ی زن بین دو ازدواج، انتظار وی برای ازدواج دوم پس از وفات شوهر به مدت ۴ ماه و ۱۰ روز و همچنین عده‌ی زن به مدت ۳ طهر پس از طلاق، حفظ نسب بیان شده است. به همین خاطر رابطه‌ی زناشویی زن در طول دوران زناشویی، تنها به رابطه با همسر، جواز شرعی و قانونی دارد و در غیراین صورت نامشروع و غیرقانونی خواهد بود.

۲-۲. تعهد و پیمان

تعهد کلمه‌ای عربی و از ریشه‌ی عهد به معنای پیمان، وصیت و به گردن گرفتن امری است (ابن منظور، ۱۹۸۸: ۴۴۸). عهد در اصطلاح فقه و حقوق نیز، گاهی مترادف با عقد و تعهد استعمال شده است. چنان که گفته‌اند «العقد العهد» (جعفری لنگرودی: ۴۸۰). در برخی از موارد نیز عهد به معنای نذر و تعهد بنده در مقابل خداوند به کار رفته است (حلی، ۱۳۷۷: ۱۹۳).

خداوند در آیه‌ی ۸ سوره‌ی مؤمنون و در آیه‌ی ۳۳ سوره‌ی معارج پابندی به تعهدات زندگی و وفادار بودن به همسران را از جمله صفات مومنان برمی‌شمرد. همچنین در آیه‌ی ۱۷۷ سوره‌ی بقره کسی را نیکوکار می‌داند که به عهد خود وفادار بماند. در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی اسرا نیز آمده که در روز قیامت از تعهدات و وعده‌ها سؤال می‌شود. رسول اکرم (ﷺ) می‌فرمایند: «کسی که پابند به پیمان خود نباشد دین ندارد» (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۱۱۰، ص ۹۶). همچنین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «وفای به عهد از نشانه‌های تدین است. اگر زنی یا شوهری به همدیگر وفادار نبودند بدانید تدین ندارند و عبادت آنها قبول نیست» (همان: ۳۷۵). ازدواج یک عهد و پیمان بین زن و مرد است. تعهد پایه‌ی اصلی و اساسی ازدواج محسوب می‌شود. حداقل و اولین سطح تعهد همان تکلیف و وظایفی است که در تعهدنامه‌ی ازدواج آمده است. زن و مرد آن را امضا و پابندی خودشان را نسبت به آن اعلام می‌کنند، اما سطح بالاتر تعهد تکالیف نانوشته‌ای است که با توجه به میزان رشد و تکامل افراد در زندگی مشترک بروز می‌یابد. زن و شوهر در این سطح وظایفی را برای خودشان فرض و واجب می‌دانند که در اصل و اساس بر آنها واجب شرعی و

قانونی نیست (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۱۶۰). بنابراین زن و شوهر که قبل از انعقاد عقد ازدواج و نکاح در برابر یکدیگر تعهدات، الزامات و محدودیت‌هایی نداشتند، با انعقاد عقد و پیمان نکاح و براساس پذیرش آزادانه‌ی شرایط و تعهدات و محدودیت‌ها به رعایت آنها ملزم خواهند بود. بنابراین یکی از عوامل ایجاد محدودیت در زن و مرد پس از ازدواج به ماهیت ازدواج - که عقد، پیمان و تعهد مشترک است - برمی‌گردد. گفتنی است، میزان محدودیت‌ها و الزامات هر تعهد و پیمانی از جمله ازدواج، تابع شرایط و میزان محدودیت‌ها و الزامات توافق شده است.

۳-۲. مکمل بودن زن و مرد

محیط خانواده با توجه به استقلال افراد، محیط همبستگی و همکاری است، اما اصل آزادی نیز در آن اهمیت دارد. براین اساس زن و شوهر آزادی دارند، زیرا پیوند زناشویی یکی را زیر سیطره‌ی دیگری قرار نمی‌دهد. قانون‌گذار نیز برای زن و مرد در رفتارهای اجتماعی محدودیت چندانی ایجاد نمی‌کند. در نتیجه پس از ازدواج برای زن و مرد آزادی‌های فرهنگی و سیاسی وجود دارد و متأهل بودن تأثیر چندانی در آزادی آنها ندارد. گفتنی است، زن و مرد در محیط خانواده در عین آزادی‌های بسیاری که دارند در چارچوب وظایف ذاتی خانواده تکالیفی نیز برعهده دارند که این وظایف از نهاد خانواده ناشی می‌شود. آنها با اختیار خود الحاق به این نهاد را پذیرفته‌اند. البته بهره‌مندی از آزادی در مرحله‌ی عمل نمی‌تواند با حقوق و آزادی شوهر منافات داشته باشد. همچنین آزادی باید در چارچوب ارزش‌های خانواده بوده و اعمال آنان چنین ارزش‌هایی را نقض نکنند.

۴-۲. حقوق و وظایف متقابل زوجین نسبت به یکدیگر

حقوق و وظایف متقابل زوجین از اموری است که دین مبین اسلام برای تحکیم خانواده و رشد و بالندگی آن وضع کرده است. رعایت این حقوق و انجام مسئولیت‌های مربوط به آن سبب نزدیکی و صمیمیت بیشتر زوجین می‌شود و از بروز هرج و مرج در خانواده جلوگیری می‌کند. از آنجاکه قانون برای تأمین به‌حق نیازمندی‌ها و آماده ساختن عرصه‌ی حیات برای رشد و بالندگی استعداد انسان‌ها و احقاق حقوق آنهاست، باید تفاوت‌های میان زن و مرد در وضع قانون انعکاس یابد و در نتیجه حقوق و وظایف هماهنگ و متناسب با نقش‌های طبیعت برای هر کدام وضع شود تا ایشان را در ایفای نقش‌های طبیعی‌شان یاری دهد (صرامی، ۱۳۸۵: ۲۷۲) زوجین وظایف مشترک و اختصاصی دارند و به رعایت آنها ملزم هستند. بنابراین ممکن است انجام آنها محدودیت‌هایی را برای زوجین به وجود بیاورد. وظایف مشترک زوجین که در قانون مدنی و منابع روایی ذکر شده

است، عبارت‌اند از: حسن معاشرت^۱، معاضدت در تشیید مبانی خانواده و تربیت فرزند^۲ و وفاداری^۳. خوش خلقی و گشاده‌رویی، زینت و آراستگی، تکریم همسر و محترم دانستن شخصیت او، همدلی و مشارکت در انجام امور خانواده از اموری است که در منابع فقهی هریک از زوجین موظف شده‌اند آنها را رعایت کنند تا نآرامی و ناسازگاری در محیط خانواده به‌وجود نیاید.

۳. قلمروها

۳-۱. قلمرو عبادی

ادای فرایض دینی و عبادی از امور مهم و حق‌الله محسوب می‌شوند و هنگام تزامم این فرایض و عبادات با دیگر امور اجتماعی، فردی و خانوادگی مباحث مهمی مطرح است. از آنجاکه ممکن است در زندگی مشترک زن در دین‌داری با مشکل روبه‌رو شود، داشتن دین مشترک و مسلمان بودن برای زن و مرد از شرایط صحت نکاح است. به‌گونه‌ای که زن نمی‌تواند شوهر غیرمسلمان اختیار کند (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۸۶). وجود این احکام، این سؤال را مطرح می‌کند که ازدواج در قلمرو دینداری و عبادات فردی و اجتماعی زن چه تأثیری دارد؟

۳-۱-۱. عبادات

پس از ازدواج زن موظف است در عبادات فردی مانند: نماز، روزه، حج، خمس و زکات، را بدون هیچ‌گونه کمی و کاستی همانند زمان پیش از ازدواج انجام دهد. هرچند میان عبادت واجب و مستحب تفاوت است، بدین‌گونه که زن در عبادت‌های واجب به‌اذن شوهر نیاز ندارد و تکلیف الهی را باید بر رعایت حق شوهر مقدم دانست، اما در عبادت‌های مستحب، زن باید حق شوهر را رعایت کند و اذن وی را داشته باشد (حلی، ۱۴۰۳: ۵۰۴). براین‌اساس، چنانچه عبادت از نمازهای واجب باشد، اقامه‌ی نماز که حق‌الله است بر تمکین زوج مقدم است و رضایت یا نارضایتی زوج در انجام نماز واجب تأثیری ندارد. از جمله نمازهای واجب می‌توان به نمازهای یومیه، نماز آیات، نماز طواف واجب حج و نمازی که به سبب نذر یا عهد و قسم واجب می‌شود، اشاره کرد، اما اگر زوجه بخواهد نمازهای مستحبی همچون نوافل یومیه، نماز شب، نماز زیارت و نماز باران به‌جا

۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۳

۲. قانون مدنی، ماده ۱۱۰۵

۳. امیر مومنان علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «وفای به عهد از نشانه‌های تدین است. اگر زنی یا شوهری به همدیگر وفادار نبودند بدانند تدین ندارند و عبادت آنها قبول نیست» (مجلسی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۳۷۵). همچنین پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «همنشین من در روز قیامت کسی است که با همسر خود وفادار باشد» و همچنین فرمودند: «نزدیکترین شما به من در فردای روز قیامت راستگوترین و وفادارترین شما نسبت به همسران خود است» (کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۶۷).

آورد و انجام این اعمال با حقوق زوج تراحم داشته باشد، اجازه از زوج لازم است (www.khame-ir). این حکم به طور کلی در تمام عبادات فردی لازم الاجراست. بنابراین عبادات واجب زن بر حق شوهر اولویت دارد و روزه گرفتن زن بر حق شوهر در داشتن عمل جنسی مقدم است و شوهر نمی‌تواند هنگام روزه واجب از زن تمتع موجب بطلان روزه را طلب کند (www.bahjat.ir). همین حکم در مورد ادای حج واجب (همان)، پرداخت خمس (www.khame-ir) و زکات (شعبانی: ۱۱۸) نیز جاری است.

۳-۱-۲. حجاب و نوع پوشش

داشتن پوشش برای هریک از مرد و زن یک حق تلقی می‌شود، از این رو دیگران به احترام و صیانت از آن موظفاند و هیچ‌کس نمی‌تواند مردان یا زنان را به برهنگی و نداشتن پوشش ملزم کند. پوشش صرف‌نظر از جنبه‌ی حق بودن آن جنبه‌ی تکلیف نیز دارد. ریشه و مبنای این تکلیف اوامر الهی است که انسان را در برابر خداوند مسئول می‌داند. پوشش ضمن مصونیت‌بخشی، کارکردهای دیگری همچون تأمین بهداشت روانی جامعه، استحکام پیوند خانوادگی، تضمین حضور جدی زن در جامعه، حفظ شأن و منزلت انسانی زن (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۳۴) نیز دارد. رعایت حجاب و پوشش شرعی برای حضور اجتماعی زن لازم و ضروری است و انعقاد پیمان ازدواج و وجود زوجیت، تأثیری در میزان و کیفیت آن ندارد. امیرالمؤمنین (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه خطاب به فرزندشان امام حسن (ع) در یک فراز درباره‌ی همسر و نحوه‌ی رفتار با زنان توصیه می‌کنند و می‌فرمایند: «سخت گرفتن در حجاب، عفت آنها را بیشتر حفظ می‌کند» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). با این حال، اگر همسر حجابش را رعایت نکند، به نظر برخی فقها، مرد می‌تواند همسر خود را از بیرون رفتن منع کند (حتی با حجاب) پس می‌تواند شرط کند که اگر حجاب کامل پوشید حق دارد از منزل خارج شود (www.sistani.org).

۳-۱-۳. نذر

نذر در لغت به معنای وعده‌دادن و پیمان به چیزی است و در اصطلاح پیمان خاصی با خداوند است که انسان آن را بر خود واجب می‌کند (www.sistani.org). نذر یکی از احکام عملی و جاری اسلام است که احکام و شرایط خاصی دارد. مطابق فقه اسلامی کسی که نذر می‌کند، باید بالغ، عاقل، مختار، مسلمان و آزاد باشد. از این رو نذر افرادی مانند کودک، مجنون، غیرمسلمان و عبد منعقد نمی‌شود. برخی از فقها نذر زن بدون اجازه‌ی شوهر را -هرچند عمل به نذر منافات با حق

شوهر نداشته باشد- باطل می‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۱۱۷، م ۳). برخی نیز معتقدند نذر زن بدون اجازه‌ی شوهر بنا بر احتیاط واجب وضعاً منعقد می‌شود، ولی بنا بر احتیاط باید از شوهرش اجازه بگیرد (بهجت، توضیح‌المسائل: ج ۴، ص ۴۲۷، م ۲۱۳۶). امام خمینی (رحمته‌الله) نذر زوجه را- اگرچه متعلق به مال خودش باشد- صحیح نمی‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۴۶۱، س ۹). همچنین آیت‌الله بهجت معتقدند: «بنا بر احتیاط از حیث حکم وضعی، نذر منعقد می‌شود؛ گرچه اجازه گرفتن از همسر بنا بر احتیاط لازم است» (www.bahjat.ir). براساس نظر مقام معظم رهبری، نذر زن بدون اجازه‌ی شوهر (حتی در اموال خودش) بنا بر احتیاط واجب صحیح نیست (www.khamenei.ir). باین‌حال برخی فقیهان در مورد نذر زن، این‌گونه قائل به تفصیل شده‌اند: نذر در ایفای واجب و ترک حرام که اذن شوهر را لازم ندارد و نذر در امور مستحب که در آن اذن شوهر محل بحث است و لازم شمرده‌اند (حلی (محقق)، ۱۳۷۷: ۲۳۷؛ آبی، ۱۴۰۸: ۳۲۰).

۳-۱-۴. صدقه

یکی از بهترین راه‌ها برای مصرف کردن مال و هر نوع منفعتی صدقه دادن در راه خداست. صدقه در فرهنگ اسلامی مالی است که انسان به قصد قربت از دارایی خود خارج می‌کند و از آنجاکه در شرع هر عملی قواعد و قوانینی دارد تا مقبولیت هرچه بیشتر خداوند را به دنبال داشته باشد، صدقه دادن نیز از این حکم مستثنی نیست و تابع قوانین و ضوابطی است (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۶: ۱۳۹). براساس مستندات موجود، زن می‌تواند همان‌طور که قبل از ازدواج از اموال خود و طبق نظر خویش صدقه دهد، بعد از ازدواج و انعقاد عقد زوجیت نیز می‌تواند همان‌گونه عمل کند و نیازی به اذن شوهر ندارد و زوجیت محدودیتی برای او ایجاد نمی‌کند (www.khamenei.ir).

۳-۲. قلمرو اقتصادی

در چارچوب احکام اقتصاد اسلامی، بسیاری از احکام، حقوق و اختیارات یکسان شامل زن و مرد می‌شود؛ برای مثال احترام به کار و مالکیت ناشی از کار برای مرد و زن یکسان به رسمیت شناخته شده است (بخش مهمی از حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی زنان به حوزه‌ی اقتصاد مربوط می‌شود. رفتارهای اقتصادی زنان از قبیل بهره‌برداری از منابع طبیعی، تأمین معاش، تملک، نقل و انتقال اموال در چارچوب اصول، قواعد و نهادهای حقوقی سامان می‌یابد. مجموعه این قواعد و نهادهای حقوقی و مقررات اقتصادی بخشی از نظام حقوقی است. یکی از نهادهای مهم حقوقی در این باره، حق اقتصادی است. همان‌طور که گفته شد، حق در این‌گونه موارد به معنای آزادی،

مطالبه، توانایی و مصونیت است که در نظام حقوقی شناسایی شد. باتوجه به این مطلب، باید گفت حق اقتصادی زنان نیز عبارت است از آزادی‌ها، مطالبات، مصونیت‌ها و توانایی‌هایی که رفتار اقتصادی زنان را در حوزه تولید، توزیع و مصرف سامان می‌دهد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۴۸). حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا ازدواج موجب ایجاد محدودیت در این حقوق می‌شود یا خیر؟

۳-۲-۱. مالکیت زنان

نگاهی گذرا به تاریخ نشان می‌دهد که مالکیت زنان نسبت به اموالشان، مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است. در دوره‌هایی زنان نه تنها مالک نمی‌شدند، بلکه خود آنها چون مال در تملک دیگران قرار می‌گرفتند. به عبارت دیگر، در روزگار گذشته زن مانند برده‌ای در اختیار مردان بود (صدر، ۱۳۹۶: ۳۱ و ۳۲). براساس احکام اسلامی، حق مالکیت زن مفروض قلمداد شده است و اهلیت تمتع و اهلیت استیفای وی پذیرفته شده است. این امر به هیچ‌وجه از میان نمی‌رود، بلکه حتی پس از ازدواج نیز اهلیت زن نسبت به تملک و همچنین مالکیت وی بر اموال همانند پیش از ازدواج باقی می‌ماند. افزون‌براین، ازدواج خود سببی برای تملک قانونی است، زیرا براساس عقد ازدواج، زن مالک مهریه می‌شود و شوهر بدون رضایت وی حق تصرف در اموال او را ندارد. ثابت شدن حق مالکیت برای زن ثمرات مختلفی را به همراه دارد که می‌توان در این باره به موارد متعددی از جمله حق استعمال (حق تصرف مادی مالک در خود شی)، حق استغلال (استثمار یا استعمال غیرمستقیم عین) و حق تصرف (تصرفات حقوقی مالک در عین) اشاره کرد. بر این اساس، ازدواج در کاهش یا افزایش این حقوق بر میزان مالکیت زن تأثیری ندارد.

۳-۲-۲. اشتغال زنان

بدون تردید هریک از افراد جامعه اعم از زن و مرد حق کار و فعالیت اقتصادی را دارند و به‌طور طبیعی می‌توانند از نتیجه‌ی دسترنج خویش بهره‌مند شوند، این موضوع حق اشتغال نامیده می‌شود. علاوه‌بر حاکمیت اصل اباحه در فعالیت‌های فردی و اجتماعی از جمله اشتغال، آیه‌ی شریفه «لرجال نصیبٌ مما اکتسبوا و للنساء نصیبٌ مما اکتسبن»^۱ (نساء: ۳۲)؛ درصدد بیان حق مالکیت زن و مرد بر نتیجه‌ی کار خویش است که به جواز اشتغال و اجازه‌ی کار برای زنان نیز اشاره‌ی ضمنی دارد (هادوی تهرانی، ۱۳۹۰: ۱۰۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و هشتم به اصل «آزادی شغل» اشاره می‌کند و مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام، مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت

۱. برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است

نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل را ایجاد نماید». ملاحظه می‌شود که این اصل ضمن اشاره به «آزادی اشتغال» برای آحاد جامعه اعم از زن و مرد، محدودیت‌های سه‌گانه‌ای (مشاغل خلاف شرع، خلاف مصالح عمومی و مضر به حقوق دیگران) را برای اصل آزادی مشاغل افراد مقرر کرده است که بین زن و مرد قبل و بعد از ازدواج، مشترک است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، اینکه ازدواج در اشتغال زنان چه تأثیری دارد؟ اصل آن است که ازدواج و تشکیل خانواده منافاتی با اشتغال زن ندارد و مرد نمی‌تواند مانع کار و فعالیت زن در خارج از خانه شود، اما در مواردی این حق بنابه شرایطی محدود می‌شود:

الف) منافات شغل با مصالح خانوادگی یا حیثیت زن یا شوهر: ماده ۱۱۱۷ ق.م.مقرر می‌دارد: «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.» بنابراین اگر شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیت خود و یا حیثیت شوهر منافات داشته باشد، شوهر می‌تواند همسر را از انجام کار در بیرون منزل منع کند.

ب) تراحم اشتغال با تمکین: عامل دیگری که موجب محدودیت در اشتغال زن پس از ازدواج می‌شود، تراحم اشتغال زن با حقوقی است که براساس عقد ازدواج شوهر نسبت به همسر خویش دارد؛ مانند حق استمتاع. بنابراین فعالیت اقتصادی زن نمی‌تواند با آن تراحم یابد و در صورت تراحم، حق استمتاع مقدم است (عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳:۳۳۷).

۳-۲-۳. استقلال مالی زن

در نظام اقتصادی اسلام، افراد اعم از زن و مرد حق مالی و استقلال مالی و اهلیت تمتع از حقوق و استیفای آن را دارند. براین اساس زن می‌تواند در اموال خود قبل و بعد از ازدواج، بنابر صلاح دید و منافع و مصلحت خود عمل کند و در این تصرف نیاز به اذن دیگری نیست. بنابراین ازدواج تأثیری در قلمرو استقلال مالی زن ندارد و محدودیتی برای زن ایجاد نمی‌کند. همه‌ی اسباب مالکیت و دارا شدن برای زن قبل و بعد از ازدواج وجود دارد و ممنوعیتی در دارا شدن و تصرف در آنها وجود ندارد (طوسی، ۱۴۱۱:۲۸۵). ملاحظه‌ای شود که ازدواج نه تنها محدودیتی در استقلال مالی زن پس از ازدواج ایجاد نمی‌کند، امتیازات و دارایی‌های مالی ویژه‌ای همچون مهریه، نخله، نفقه و اجرت رضاع برای زن پدید می‌آورد که تنها ناشی از قرارداد نکاح است.

۳-۳. قلمرو سیاسی - اجتماعی

حقوق سیاسی، حقوقی است که برای اشخاص در ارتباط آنها با حاکمیت و ارزیابی عملکرد قدرت سیاسی موجود به رسمیت شناخته می‌شود (جوان آراسته، ۱۳۹۱: ۱۵۵). آزادی سیاسی یعنی اینکه فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی خود از مسیر انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی شرکت کند و به تصدی مشاغل عمومی، سیاسی و اجتماعی کشور دست یابد و با در مجامع آزادانه، عقاید و افکار خود را ابراز کند (طباطبایی مؤتمنی: ۹۶). در نظام حقوقی - سیاسی اسلام نمونه‌هایی از افعال سیاسی خاص چون امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت حاکمان، هجرت، جهاد و... وجود دارد. براساس مبانی دینی، فعل سیاسی نه تنها حق بلکه در مواردی تکلیف است. براساس اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی موظف است برای نیل به اهدافی از جمله مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش همه‌ی امکانات را به کار گیرد.

آزادی بیان، شرکت در اجتماعات و راهپیمایی‌ها، حق تأسیس احزاب و تشکل‌ها، حق انتخاب شدن و حق شرکت در انتخابات و همه‌پرسی از جمله مواردی است که به‌عنوان حقوق سیاسی برای آحاد مردم اعم از زن و مرد در نظر گرفته شده است که دولت موظف به تأمین آنهاست. ازدواج نمی‌تواند در استیفای این حقوق برای زن محدودیتی ایجاد کند.

۳-۴. قلمرو فرهنگی - علمی و آموزشی

براساس آموزه‌های اسلامی برگرفته از قرآن و تعالیم معصومین (علیهم‌السلام)، اصل اولی در حقوق فرهنگی، علمی و آموزشی، حق دستیابی به علم و فناوری برای همه اعم از زن و مرد است و جنس و جنسیت در این حوزه تأثیری ندارد^۱ و وجود این اصل علاوه بر مبانی دینی با مصالح ملی نیز موافق است، زیرا توسعه‌ی حق دانش و فناوری برای زنان و مشارکت آنها در این عرصه توان تولید علم را افزایش داده و کشور را در مسیر پیشرفت و ترقی بیشتر قرار می‌دهد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی نیز برخی ابعاد حقوق فرهنگی را در ماده (۹) مورد توجه قرار داده است. براساس بند «الف» این ماده طلب علم یک فریضه و آموزش یک امر واجب است. جامعه و دولت باید راه‌ها و وسایل آن را فراهم کرده و متنوع بودن آن را -به‌گونه‌ای که مصلحت جامعه را برآورد- تأمین کند و به انسان فرصت دهد به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت به کار گیرد. همچنین در بند «ب» همین ماده مقرر شده است:

۱. طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه.

«حق هر انسانی است که مؤسسات تربیتی و توجیهی مختلف از خانواده، مدرسه و دانشگاه گرفته تا دستگاه‌های تبلیغاتی که در جهت پرورش دینی و دنیوی انسان کوشش می‌نمایند، برای تربیت کامل و متوازن او تلاش کرده و شخصیت او را پرورش دهند، به گونه‌ای که ایمانش به خدا و احترامش به حقوق و وظایف و حمایت از آن فراهم شود». این حقوق در مورد زنان اهمیت بیشتری دارد، زیرا در طول تاریخ و در عمل به حقوق آنها کمتر توجه شده و یا با سوءبرداشت‌هایی به درستی تبیین و تحلیل نشده است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۵۲). در ادامه به برخی از حقوق فرهنگی و اجتماعی افراد به‌ویژه زنان اشاره می‌شود.

۳-۴-۱. حقوق استفاده از آموزش و پرورش

آموزش و پرورش از امور پسندیده است و گاه در حوزه‌ی یادگیری تکالیف واجب می‌شود. یکی از ارزش‌های پذیرفته شده نزد خردمندان و از تأکیدات منابع دینی، علم‌آموزی به خصوص علم هدایت‌گر و نافع است. یادگیری احکام و آموزه‌های دینی و عمل به آنها نیز بر همه‌ی افراد واجب است. به گونه‌ای که در صورت قصور در یادگیری اعمال انجام شده‌ای که با آموزه‌های دینی مطابق نباشد، مخدوش خواهد بود. گذشته از وظیفه‌ی علم‌آموزی، ارزش دیگری که در ساختار نظام ارزشی اسلام به آن تأکید می‌شود، تعلیم و آموزش دادن است. این وظیفه به صورت واجب کفایی وظیفه‌ای همگانی است.^۱ این حق برای زن نیز در خانواده وجود دارد. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که تا هنگامی که آموزش و پرورش با حقوق قانونی شوهر در تراحم نباشد به وسیله‌ی زن استیفاشدنی است. تمام سخن مربوط به زمانی است که آموزش و پرورش یا لوازم مربوط به آن با حقوق شوهر در تراحم قرار گیرد و یا اینکه مستلزم خروج از منزل باشد، از آنجا که رضایت شوهر می‌تواند از تراحم حقوق جلوگیری کند، زن می‌تواند با کسب رضایت از شوهر حتی به صورت شرط ضمن عقد نکاح، حق خود را استیفا کند (تبریزی، ۱۳۹۱: ج ۲، ص ۳۷۹). همچنین اگر عرف جامعه به گونه‌ای باشد که آموزش، پژوهش و خروج از منزل به سبب آن مفروض انگاشته شود، می‌توان این امر را نیز به منزله‌ی شرط ضمن عقد تحلیل کرد. سخن از زمانی است که رضایت شوهر هنگام عمل یا پیش از آن کسب نشده باشد، در این مورد از نظر اصولی تراحم محقق می‌شود و باید مرحجات باب تراحم را به کار گرفت. در نتیجه اگر آموزش و پژوهش اهمیت خاصی داشته باشد به گونه‌ای که ترک آن به ضرر یا از دست دادن فرصت برای یادگیری احکام دینی بیانجامد، آموزش و پژوهش بر حقوق شوهر مقدم خواهد شد، در غیر این صورت چه بسا حق

۱. آیه ۱۲۲ سوره توبه.

شوهر مقدم و ممانعت او مؤثر باشد (حکمت‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۸۳). اداره کل حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سؤال که آیا صدور حکم مبنی بر عدم اشتغال به تحصیل زوجه که به‌وسیله‌ی زوج از دادگاه درخواست شده است، منطبق با قوانین است یا خیر؟ اعلام کرده است: «تحصیل از حقوق مدنی آحاد جامعه است و منع افراد از استیفای این حق نیازمند وجود قانون است که در این خصوص مقرره‌ای وجود ندارد و اشتغال به تحصیل از عناوین اشتغال به حرفه و صنعت موضوع ماده (۱۱۱۷) ق.م.خارج است». بدیهی است، چنانچه اشتغال زوجه به تحصیل مغایر تکلیف وی به تمکین از زوج باشد زوج می‌تواند با اقامه‌ی دعوی الزام به تمکین، نشوز زوجه را اثبات کند، همچنین شرط تحصیل، زوجه را در ادامه تحصیل تا هر مرحله که لازم بداند و در هر کجا که شرایط ایجاب کند مخیر می‌کند.

۳-۴-۲. خروج زن از خانه، کشور و اخذ پاسپورت

زن پیش از ازدواج حق آزادی در رفت‌وآمد دارد. پس از ازدواج این پرسش مطرح می‌شود که آیا از نظر مصالح خانوادگی و رعایت حقوق شوهر، این آزادی محفوظ می‌ماند و یا باید قیودی به آن افزود؟ قانون مدنی ایران درباره‌ی خروج زن از منزل سکوت کرده، اما فقیهان مباحثی را در این باره مطرح کرده‌اند. دیدگاه‌های مطرح شده در این باره را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: دیدگاه اول، خروج از منزل را به‌طور مطلق ممنوع می‌داند مگر اینکه شوهر به زن اذن دهد (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: م ۲۴۱۲)؛ دیدگاه دوم، اگر خروج از منزل با حق استمتاع مرد منافات داشته باشد، ممنوع است و به اذن شوهر نیاز دارد (حلی(علامه)، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۴۱) و اگر چنین منافاتی نباشد، حرمت وجود ندارد، اگرچه بهتر است زن خارج نشود (روحانی، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۳۲۷، م ۹۶۹). به هر حال اگر خروج از خانه و رفت‌وآمد با حق استمتاع مرد منافات داشته باشد، کسب رضایت شوهر الزامی است، ولی اگر منافاتی نداشته باشد، برخی از فقها اذن شوهر را لازم نمی‌دانند، اگرچه از نظر اخلاقی و بنا بر احتیاط، کسب اجازه از شوهر را ممدوح می‌شمارند (همان). برخی دیگر از فقیهان در هر صورت کسب اجازه از شوهر را لازم می‌دانند (بهجت، ۱۳۸۶: ص ۴۵۳، م ۱۸۷۲). در این موارد، از نظر اخلاقی از مردان می‌خواهند که در این امر با زنان معاشرت به معروف داشته باشند و از خروج آنها از خانه جلوگیری نکنند، مگر اینکه دلیل خاصی وجود داشته باشد (گلپایگانی، ۱۳۸۱: ص ۱۲۷، م ۴۷۵). برخی مراجع انجام بعضی امور را استثنا کرده و بیان کرده‌اند که اگر زن بخواهد یکی از این امور را انجام دهد نیازی به اذن زوج ندارد. این امور عبارت‌اند از: صله رحم نسبت به پدر و مادر و خواهر و برادر (به مقدار لازم)، فراگرفتن احکام اسلام مانند رفتن به مسجد، تهیه‌ی

اجناس ضروری منزل، شرکت در انتخابات و راهپیمایی‌های ضروری و مراجعه به طبیب (مکارم شیرازی، م ۲۳۹۳).

البته رضایت نگرفتن از شوهر ضمانت خاصی نیز دارد؛ به گونه‌ای که مسافرت زن بدون اذن شوهر از یک طرف در شمار مسافرت‌های حرام محسوب و در نتیجه زن باید نماز خود را کامل بخواند و روزه نیز بگیرد (روحانی، همان، ج ۶، ص ۳۸۵) و از طرف دیگر به نشوز وی می‌انجامد و حق او را نسبت به دریافت نفقه از بین می‌برد (طبرسی، ۱۳۹۵: ۲۱۵). به همین خاطر، برای پرهیز از اختلافات، زن باید درباره‌ی چگونگی رفت‌وآمد خود شروطی را ضمن عقد نکاح مندرج کند. در نظر گرفتن این شروط به زن این فرصت را می‌دهد که با آزادی بیشتری رفت‌وآمد خود را مدیریت کند. همچنین درباره‌ی خروج زن از کشور نیز به طریق اولی محدودیت‌های بیشتری در نظر گرفته شده است؛ برای مثال ماده (۱۸) قانون گذرنامه، صدور گذرنامه برای زنان متأهل را به اجازه‌ی همسر منوط کرده است. ماده (۱۹) نیز بیان می‌کند، اگر کسانی که به موجب ماده (۱۸) صدور گذرنامه موکول به اجازه‌ی آنهاست از اجازه‌شان عدول کنند، از خروج دارنده‌ی گذرنامه جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد. همان‌طور که مشخص است متن این ماده کاملاً مطلق است و به این معناست که شوهر می‌تواند هر زمانی به هر دلیلی با مراجعه به اداره‌ی گذرنامه از اجازه‌ی خود عدول و همسرش را ممنوع‌الخروج کند. به همین دلیل برای جلوگیری از وجود چنین مشکلی، حقوق‌دانان شرط ضمن عقد را به زنان پیشنهاد می‌کنند که تضمین حق خروج از کشور است، بسیاری از زوجین این شرط را در عقدنامه‌های ازدواج خود می‌نویسند و زن و شوهر هم‌زمان با عقد آن را امضا می‌کنند.

۳-۵. قلمرو جهادی و دفاعی

جهاد تکلیفی همراه با مشقت و زحمت است که از دوش زنان برداشته شده است و از این جهت تفاوتی بین زن مجرد و متأهل نیست. بنابراین عقد ازدواج تغییری در وضعیت قلمرو جهادی زن ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر، دفاع که یک امر فطری، غریزی، عقلی، عرفی، انسانی و شرعی است یک حق شخصی است که شخص در مقام دفاع از جان، مال، عرض و ناموس خود و دیگری دارد و اختصاص به زن و مرد مجرد و یا متأهل ندارد و هر که در معرض حمله و تجاوز قرار بگیرد موظف به دفاع از خود است و زوجیت نیز تغییری در وضعیت حقوقی زن به‌عنوان مدافع ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر دفاع از دین و کشور در صورت حمله‌ی دشمنان تکلیف همه‌ی مسلمانان اعم از زن و مرد است (قمی، ۱۳۶۵: ۳۵۶، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۸۳).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خانواده، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین گروه اجتماعی، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. زن و مرد براساس قواعد حقوقی و با رعایت احکام اخلاقی این نهاد را تشکیل می‌دهند. یکی از ارکان اصلی خانواده را زن تشکیل می‌دهد. حقوق فردی از جمله حقوق فردی زن در وسیع‌ترین تعبیر به آزادی‌ها، توانایی‌ها، مصونیت‌ها و مطالباتی گفته می‌شود که جامعه آن را برای رشد و اعتلای فرد ضروری می‌داند. علاوه بر این در نظام حقوقی اسلام به شخصیت و جایگاه زن و نقش‌های وی در زندگی فردی و اجتماعی توجه خاصی شده است.

زن و مرد در نظام تکوین و تشریح با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. از منظر دین مقدس اسلام، این تفاوت‌ها به هیچ‌وجه نقص و کمبود برای دو جنس به حساب نمی‌آید، بلکه این تفاوت‌ها نوعی تناسب را به وجود آورده است و باعث شده تا در برخی امور، زن نیازمند مرد باشد و در برخی امور دیگر مرد نیازمند زن باشد. به دلیل وجود همین تفاوت‌های جسمی و روحی، تکالیف و حقوق هر یک از دو جنس با یکدیگر متفاوت است. از این رو در اسلام نیز احکام و قوانین متفاوت و ویژه‌ای برای زن و مرد جداگانه در نظر گرفته شده است.

وقتی سخن از مبانی آزادی‌ها و محدودیت‌های زن پس از ازدواج می‌شود، باید به مسائلی همچون اهداف و آثار ازدواج توجه کرد؛ چراکه ازدواج نوعی پیمان است و هر پیمانی، موجب به وجود آمدن تعهداتی برای طرفین می‌شود، برای پایبندی به این تعهدات ممکن است طرفین با محدودیت‌هایی روبه‌رو شوند. این محدودیت‌ها متناسب با ذات تعهد است و طرفین ناچارند برای اثبات وفاداری خود به تعهد و پیمان منعقد شده و این محدودیت‌ها را بپذیرند.

اگرچه در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی برای قصور و کوتاهی زوجین از وظایف و تکالیف خود، ضمانت اجرای مناسبی در نظر گرفته شده است، اما باید توجه داشت که در تنظیم روابط زوجین، همیشه اخلاق مقدم بر قانون است و قواعد اخلاقی بیش از قواعد حقوقی حکومت دارد. در این رابطه سخن از عواطف انسانی، عشق، صمیمیت و وفاداری است و حقوق برای حکومت کردن بر آنها ناتوان است. از این رو با اجرائیه دادگاه، نه می‌توان مرد را به حسن معاشرت با زن و رعایت حقوق او واداشت و نه می‌توان زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری و ادای وظیفه‌ی خود در برابر او مجبور کرد. فقط اخلاق می‌تواند این وحدت معنوی را حفظ کند و در مواردی می‌توان به حقوق و قانون مدنی متوسل شد که هیچ راهی برای استیفای حقوق نمانده باشد.

در حوزه‌ی عبادات چنانچه انجام عبادت‌ها به وسیله‌ی زن با حقوق شوهر در تراحم باشد، باید میان عبادت واجب و مستحب تفاوت قائل شد. اگر عبادت واجب باشد و وقت انجام آن هم مضیق

باشد، انجام عبادت بر حق شوهر اولی است، اما اگر عبادت مستحب باشد و یا وقت انجام آن موسع باشد، صحت آن مشروط به اذن شوهر است و در صورت تراحم باید حق شوهر مقدم شمرده شود. بحث آزادی‌های زن پس از دواج اولین نکته‌ای که ممکن است به ذهن هر فرد متبادر شود این است که زن پس از ازدواج حتی برای رسیدن به حقوق اساسی خود نیازمند اذن شوهرش است. درحالی‌که بیشتر فقها انجام برخی امور را استثنا کرده و معتقدند اگر زن بخواهد یکی از این امور را انجام دهد نیازی به اذن زوج ندارد. این امور عبارت‌اند از: صله‌ی رحم نسبت به پدر و مادر و خواهر و برادر (به مقدار لازم)، فراگرفتن احکام اسلام مانند رفتن به مسجد، تهیه‌ی اجناس ضروری منزل، شرکت در انتخابات و راهپیمایی‌های ضروری و مراجعه به طبیب.

براساس آموزه‌های اسلامی، مالکیت زن مفروض قلمداد شده و اهلیت تمتع و اهلیت استیفای وی پذیرفته شده‌است. در نتیجه اهلیت زن نسبت به تملک و همچنین مالکیت وی بر اموال همانند پیش از ازدواج باقی می‌ماند. افزون‌براین، ازدواج خود سببی برای تملک به موجب قانون است، زیرا براساس عقد ازدواج، زن مالک مهریه، نحله و نفقه می‌شود و شوهر بدون رضایت وی حق تصرف در اموال او را ندارد.

۱۴۸

یکی از محدودیت‌های شغلی زنان در بیرون از منزل، حرفه یا صنعتی است که با مصالح خانوادگی یا حیثیت شوهر یا حیثیت خود زن منافات داشته باشد. در صورت وجود هریک از این موارد شوهر می‌تواند همسر را از انجام کار در بیرون منزل منع کند. البته ریشه‌ی منع شوهر از اشتغال زن این نیست که کار زن در تملک شوهر قرار دارد، بلکه ریشه‌ی این منع مربوط به روابط همسری و زندگی مشترک است، در نتیجه این منع موجب رفع احترام کار در برابر دیگران نیست. به همین سبب اگر زن به منع شوهر توجه نکند و به فعالیت اقتصادی مشغول شود، عمل وی محترم است و اگر این کار را برای دیگران انجام دهد، مستحق دریافت اجرت خواهد بود و مال دریافت‌شده به ملکیت زن درمی‌آید.

ممکن است پس از ازدواج برای زن در تصرف اموال خود محدودیت‌هایی به‌وجود آید، در مقابل برای جلوگیری از تضییع حقوق زن، دامنه‌ی تصرفات او در اموال شوهر گسترش می‌یابد تا جایی که در پاره‌ای از موارد می‌تواند بدون اذن شوهر اموال او را تصرف کند.

مطابق قانون مدنی ایران، ازدواج یک عقد لازم است که به دنبال آن هریک از زن و مرد شروط و تعهداتی را متقبل می‌شوند و در عین حال حقوقی هم به دست می‌آورند. در این میان جایگاه شروط ضمن عقد را هم باید در نظر گرفت. شوهر در برابر زن حقوق و اختیاراتی دارد که زن فاقد آنهاست، بنابراین طبق مجوز قانون مدنی، زنان نیز می‌توانند با استفاده از شرایط ضمن

عقد تا حدودی محدودیت‌های قانونی را جبران کنند که این راه‌حل در ماده (۱۱۱۹) ق.م.ب. بیان شده است. طرفین عقد می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگری مطرح کنند، مانند حق تحصیل یا حق انتخاب محل سکونت. شروط ضمن عقد راه‌حلی است برای جبران مشکلاتی که ممکن است در آینده در زندگی مشترک خانوادگی بروز کند. زن و شوهر برای پیشگیری از هرگونه اختلاف هنگام عقد درباره‌ی برخی از محدودیت‌ها می‌توانند در قالب شرط ضمن عقد توافق کنند. همان‌طور که در دوران زناشویی می‌توانند در مورد این مسئله توافق کنند و نتیجه‌ی توافق را در ضمن یک عقد لازم و یا یکی از اسباب الزام تعهدات بیاورند.

در نهایت باید گفت، به‌رغم برداشت‌های اولیه و تبلیغات نادرست معلوم شد که از یک سو، در بسیاری از موارد تفاوتی در وضعیت و میزان آزادی و محدودیت‌های زن پیش و پس از ازدواج وجود ندارد و از سوی دیگر، تحت شرایطی راهکاری شرعی و قانونی برای کاهش یا حذف محدودیت‌های احتمالی و تضمین آزادی عمل و اختیار زن پس از ازدواج پیش‌بینی شده است.

منابع

- ◀ قرآن کریم.
- ◀ نهج البلاغه.
- ◀ آبی، فاضل، ۱۴۰۸. کشف اللثام، تهران: اسلامی.
- ◀ آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۹۱. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- ◀ ابن منظور، محمدبن مكرم، ۱۹۹۸. لسان العرب، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ◀ بهجت، محمد تقی، ۱۳۸۶، مجموعه چهار جلدی استفتائات از محضر آیت‌الله بهجت، قم: مرکز تنظیم و نشر آثار آیت‌الله بهجت.
- ◀ تبریزی، جواد، ۱۳۹۱. صراط النجاة فی أجوبة الاستفتاءات، قم: دارالصدیقة الشهیدة (سلام الله علیها).
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۶۳. حقوق تعهدات، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ _____، ۱۳۸۵. ترمینولوژی حقوق، تهران: امیرکبیر.
- ◀ جوان آراسته، حسین، ۱۳۹۱. حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام، تهران: یلدا.
- ◀ حکمت‌نیا، محمود، ۱۳۹۰. فلسفه نظام حقوق زن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ _____، ۱۳۹۰. حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی زن، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ _____، ۱۳۹۰. حقوق زن و خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ◀ حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن، ۱۳۷۷. مختصر النافع، تهران: مکتبه علمیه الاسلامیه.
- ◀ _____، ۱۴۰۳. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بیروت: دارالاضواء.
- ◀ حلی (علامه)، حسن بن یوسف، ۱۴۲۱. تحریر الاحکام، قم: بهادری.
- ◀ _____، ۱۳۵۲. لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ دورانت، ویل، ۱۳۳۵. تاریخ فلسفه ویل دورانت، تهران: کتابخانه دانش.
- ◀ رحمانی، مهدی، حمید ابهری و علی اکبر ایزدی‌فر، ۱۳۹۶. «بررسی حقوقی اثر نشوز زوجه در تحقق وکالت وی در ازدواج مجدد زوج»، مطالعات راهبردی زنان، دوره نوزدهم، ش ۷۶.
- ◀ روحانی، محمدصادق، ۱۳۸۰. منهاج الصالحین، تهران: معرفت.
- ◀ سبجانی، محمدتقی، ۱۳۷۲. درآمدی بر نظام شخصیتی زن در اسلام، تهران: رجا.
- ◀ شعبانی، احمد، ۱۳۷۵. «زکات یا مالیات؛ کدامیک؟»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال اول، ش ۳.
- ◀ صدر، حسن، ۱۳۹۶. حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: قلم.
- ◀ صرامی، سیف‌الله، ۱۳۸۵. حق حکم و تکلیف، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ.

- ◀ طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، ۱۳۷۰. آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
- ◀ طبرسی، حسن، ۱۳۹۵. مکارم الاخلاق، تهران: دارالکتاب.
- ◀ طوسی، محمدبن حسن بن حمزه، ۱۴۱۱. خلاف، قم: اسلامی.
- ◀ عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی، ۱۴۱۶. اللمعه الدمشقیه، قم: دارالفکر.
- ◀ عاملی (شهید ثانی)، زین الدین محمد، ۱۴۱۳. مسالک الافهام، قم: معارف اسلامی.
- ◀ _____، ۱۳۸۰. الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: بوستان کتاب.
- ◀ عبدی، علی، ۱۳۹۲. آموزه های حقوقی، تهران: مرکز.
- ◀ غرونی، محمدجواد، ۱۳۸۲. مبانی حقوق در اسلام، تهران: مخاطب.
- ◀ قائمی، علی، ۱۳۶۵. تشکیل خانواده در اسلام، تهران: امیری.
- ◀ قمی، علی بن محمد، ۱۳۷۰. جامع الشتات، قم: دارالکتاب.
- ◀ کاتوزیان، ناصر، ۱۳۷۴. حقوق مدنی، نظریه عمومی تعهدات، تهران: یلدا.
- ◀ گلیایگانی، محمدرضا، ۱۳۸۱. ارشادالسائل، قم: دارالاضواء.
- ◀ مجلسی، محمدباقر، ۱۳۷۴. بحارالانوار، تهران: اسلامیه.
- ◀ محقق داماد، مصطفی، ۱۳۶۵. حقوق خانواده، تهران: علوم اسلامی.
- ◀ مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲. تجلی پیام، تهران: صدرا.
- ◀ معین، محمد. فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.
- ◀ مقدادی، محمدمهدی، ۱۳۸۵. ریاست خانواده. تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده.
- ◀ موسوی خمینی (امام)، روح الله. ۱۳۷۵، تحریرالوسیله، قم: دارالفکر.
- ◀ ورپشتی، مجتبی، ۱۳۷۴. مسائل حقوقی زنان. تهران: یلدا.
- ◀ هادوی تهرانی، مهدی، ۱۳۹۰. ضوابط شرعی اشتغال بانوان، تهران: بوستان کتاب.
- ◀ پایگاه اطلاع رسانی حوزه www.Hawzah.net.
- ◀ پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری www.khamenei.ir.
- ◀ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله بهجت www.bahjat.ir.
- ◀ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی www.sistani.org.
- ◀ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم شیرازی <http://www.makarem.ir>